

درباره چاپ کتاب سفینه و بیاض و جنگ

محمد رضا ضیاء*

سفینه و بیاض و جنگ، مقاله‌های ایرج افشار، گردآوری
میلاد عظیمی، تهران، سخن، ۱۳۹۰ ش، ۴۹۰ صفحه.

اینکه انتشارات سخن، کمر همت بسته به نشر مجموعه‌ای جداگانه برای سفینه و جنگ‌ها بسیار خوشحال کننده است. کار خوب دیگری هم که این انتشارات انجام می‌دهد، این است که خبر کتاب‌های در دست انتشار در هر بخش را به اطلاع مخاطبان می‌رساند. این کار هم تبلیغ و اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب است و هم مانع از دوباره کاری و کارهای موازی در این حوزه می‌شود. البته از سویی باید دقت کنند که اصطلاح «زیر چاپ» معنی مشخصی دارد و انتظار می‌رود، وقتی این اصطلاح درباره کتابی به کار می‌رود، نهایتاً بعد از دو سال، آن کتاب به دست مشتری برسد، حال آنکه متأسفانه گاه این زمان، بسیار طولانی‌تر شده و اگر این اقدام تکرار شود، مخاطب بخشی از اعتماد خود را تا اندازه‌ای از دست می‌دهد. درباره این مسأله بارها صحبت شده است که یک بانک اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب در کشور ایجاد شود که اگر مصحح، نویسنده، مترجمی برای چاپ کتابی اقدام اساسی کرده است، به این بانک اطلاع‌رسانی کند که دیگران هم مطلع شوند و از کارهای موازی پرهیز شود. امروز و در عصر اینترنت، چنین کاری به سادگی قابل اجراست. البته در شرایطی که دو دایرةالمعارف رسمی و دولتی با آن سازمان و دم دستگاه عریض و طویل، سال‌هاست در حال موازی کاری‌اند، گویی این انتظار خیلی هم معقول نیست!

و اما سفینه و بیاض و جنگ. در این کتاب ۲۳ مقاله ایرج افشار در حوزه سفینه و جنگ و ... که همگی پیش از این در کتاب‌ها و مجلات مختلف چاپ شده بود، گردآوری شده است. این کار از دو جهت مفید است: یکی اینکه بسیاری از

این مجلات امروز به سادگی در دسترس نیست (به طور کلی این آفت درباره مقالات منتشره در مجلات، وجود دارد)؛ دیگر آنکه همه این مقالات موضوع مشترک دارد. در ادامه برخی ملاحظات بنده بر این کتاب، می‌آید که شاید بد نباشد در چاپ‌های بعدی اعمال شود:

ص ۲۳: «از مولانا شمس‌الدین درود آورده:

سال‌ها خاطر مرا ز نشاط

هیچ پروای قیل و قال نبود

این شعر در عرفات العاشقین (ص ۱۴۸۲) به نام خواجه رشیدالدین فضل‌الله آمده است، و در «جنگ ۹۰۰» مجلس (ص ۴۹۶) به نام «خواجه ابراهیم خواجه رشید» آمده است. (ابراهیم نام فرزند شانزده ساله خواجه رشیدالدین است که همراه با او گردن زده شد و نمی‌دانم آیا منظور صاحب سفینه همو بوده است؟)

ص ۶۷: «چون در کف من جام غم انجام آید...» این رباعی در نزهةالمجالس (ص ۱۷۸) به اسم «کمال زیاد» (شاعر اصفهانی معاصر جمال‌الدین عبدالرزاق) آمده است.

ص ۶۸: «آن دل که به مهر تو همی کرد شتاب...» این رباعی در نزهةالمجالس (ص ۶۱۴) به اسم «اشهری» (جمال اشهری / شاهپور نیشابوری) آمده است.

– «شنگرف شد ای نگار خاک پایم...» این رباعی در نزهةالمجالس (ص ۶۴۴) هم بدون نام گوینده (با عنوان «آخر») آمده است.

ص ۶۹: «در هجر هر آن شبی که بد بد گریم...» این رباعی در نزهةالمجالس، ص ۱۶۵ به اسم «جمال اشهری» آمده است.

– «دیده ز فراق تو زبان می‌بیند...» این رباعی در نزهةالمجالس (ص ۵۲۲) با عنوان «لغیره» آمده است.

* پژوهشگر متون کهن.



دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین - تیرماه ۱۳۹۲

«آن کس که همه نقش خیال تو گماشت
این فرقت دردناک را چشم نداشت
آسوده بدم با تو فلک نپسندید
خوش بود مرا با تو زمانه نگذاشت»

این رباعی در لب‌الالباب (ص ۵۱۹) به اسم «تاج‌الدین اسماعیل باخرزی» و با ضبط مرجح در مصراع اول آمده است (چاکر که همه نقش خیال تو...) که ارتباط دو مصراع در آن قوی‌تر است. در نزهة‌المجالس (ص ۶۱۲) به اسم انوری آمده است؛ ولی فقط بیت دوم یکسان است (آسوده بدم با تو فلک نپسندید/ خوش بود مرا با تو، زمانه نگذاشت). محمدمامین رباعی در پانویس توضیح داده است که این رباعی در دیوان انوری چاپ مدرس نیست و در چاپ نفیسی هم احتمالاً از همین جا نقل شده است. توضیح آنکه، این رباعی در جنگی در هند به اسم کمال اسماعیل آمده است (گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، ص ۲۴) و بعید می‌دانم از انوری باشد. سید علی میرافضلی (۱۳۷۶: ۱۴۷) هم آن را در دیوان خاقانی (ص ۷۰۴) یافته و نوشته است: «بی‌گمان ازوست». رباعی بعد از این هم در نزهة‌المجالس با عنوان «وله» آمده است که چنان که دیدیم، از اسماعیل باخرزی است، لذا این دو رباعی را باید جزو انتساب‌های اشتباه نزهة‌المجالس محسوب بداریم.

ص ۷۰: «ایام وصال یار گویی که نبود...» این رباعی در نزهة‌المجالس (ص ۶۱۵) با عنوان «آخر» آمده است.
ص ۸۳-۱۰۶: (هشتمین مقاله) باز چاپ مقدمه کتاب المختارات من الرسائل است. به نظرم خیلی نیازی به باز چاپ این مورد نبود. چون خود کتاب در دسترس هست.

ص ۱۴۰: درباره «انیس الوحده و جلیس الخلوة» نوشته‌اند که «در میان اشعار شاعران ... شعرهایی از کسانی هست که تازگی دارد و یا کمیاب است مانند شرف‌الدین عبدالؤمن ... عمادالدین حروفی، کمال‌الدین کوته‌پا...» می‌افزایم: شرف‌الدین عبدالؤمن ناشناخته نیست، وی همان شرف‌الدین شفره، از شعرای مهم قرن ششم اصفهان است و دیوانش نیز موجود. درباره وی (و شعری که در همین صفحه به او نسبت داده شده) و نیز عمادالدین حروفی، میلاد عظیمی در سفینه شمس حاجی اطلاعات مفیدی به دست داده که می‌توان به

آن رجوع کرد. از کمال کوتاه‌پا نیز در خلاصه‌الشعار (ص ۱۲۴) شعر آمده است در «جنگ ۹۰۰» مجلس نیز شعر مشهور «هجو می‌گویی ای مجیرک هان...» به او نسبت داده شده، همین شعر در مجموعه هفده شاعر (ص ۱۶۸) به نام کمال‌الدین بن زیاد و البته در دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق نیز آمده است. آیا از این مجموعه می‌توان اصفهانی بودن کمال کوتاه‌پا را نتیجه گرفت؟ در «جنگ ۹۰۰» مجلس (ص ۵۴۳) رباعی‌ای به نام او آمده است که تشکیک بعضی بزرگان درباره اسم او را از بین می‌برد.^۱

گفتم که لب‌ت فر و بهائی دارد
صحرای رخ تو خوش هوایی دارد
گفتا مبر این هوس که راه غم من
کوتاه پایا! دراز نائی دارد

در ادامه سه شعر از صدرالدین علی آورده‌اند (ای زلف تو که گشوده گه بافته خوش ... که این شعر هم «تازه و کمیاب» نیست و در نزهة‌المجالس (ص ۳۱۲) و خلاصه‌الشعار (ص ۱۰۸) بدون نام گوینده و نیز در عرفات العاشقین (ص ۱۶۳۷) ذیل لطیف‌الدین زکی کاشغری، آمده است. استاد نوشته است: «در جایی به دنبال نامش "کی" آورده شده». آیا می‌توان ارتباطی بین «کی» و «زکی» برقرار کرد؟ رباعی «زان پیش که ثور بر ثریا بستند» در خلاصه‌الشعار (ص ۶۸) به نام «تاج‌الدین طرحی» و رباعی «عشق ارچه عقیله جهانست خوشست» در همین مجموعه (ص ۶۹) و نیز نزهة‌المجالس (ص ۵۹۳) آمده است.

در همان صفحه: «بر در ارباب بی‌مروت دنیا/ پیش مرا هیچ کس به خواب نیند». مصراع اول بیت مشهور حافظ را به یاد می‌آورد: «بر در ارباب بی‌مروت دنیا/ چند نشینی که خواجه کی به در آید». کلمه اول مصراع دوم هم باید «بیش» باشد.
ص ۱۴۳: «همی کت واعظت...» گت (مخفف گفت) صحیح است.

ص ۱۸۶: درباره خلاصه‌الشعار سفینه تبریز صحبت شده است. خوب بود به تصحیح و چاپ آقای حائری از این مجموعه (در گنجینه بهارستان) اشاره می‌شد.

ص ۲۰۵: «گر دست رسید پای صبا خرد کنم...» و «هرگز گلی شکفت کس را از نو گلی عجب‌تر...» به گمانم «رشد» و «...از

۱. یکی از استادان بنده درباره اینکه ممکن است نام او در اصل «کمال کوچه‌پای» باشد، صحبت می‌کردند.



تو گلی...» صحیح باشد.

ص ۲۰۶: «کمال الدین عبدالرزاق: چون کالبدم ز روح وا بردارند...»

این رباعی در دیوان کمال اسماعیل (ص ۸۶۲) آمده است. «وا پردازند» صحیح است. در فهرست اعلام نیز برای کمال الدین عبدالرزاق مدخلی جداگانه و بدون ارجاع به کمال اسماعیل در نظر گرفته‌اند. این ترکیب در اینجا اضافه بنوت است و لذا نیاز به مدخل جداگانه نیست.

ص ۲۰۷: به جای «گو شاهی کن» باید «گو شاهی کن» باشد. ص ۲۱۸: «از پی رد و قبول عامه خود را خر مساز/ زان که کار عامه نبود جز خری یا خر خری.» این بیت نسبتاً مشهور، از سنایی (دیوان، ص ۳۶۶) است.

ص ۲۲۰: «لکمال الدین الاصفهانی: تا زلف مشکبار به گل برفکنده ای...» از کمال اسماعیل (دیوان، ص ۴۱۲) است و لذا در فهرست باید مدخلی برای این ترکیب و با ارجاع به کمال اسماعیل آورده می‌شد.

ص ۲۲۲: «گفتاز در تو... بینایی/ ما را دل و جان چو... یکتاست هنوز.» فکر می‌کنم کلماتی که خوانده نشده، به ترتیب «دیده را» و «رشته» باشد.

ص ۲۲۳: «هر آن روزی که رویت را بینم/ من آن را نشمرم از زندگانی.» شعر با این صورت ایراد وزنی دارد. احتمالاً «رویت را بینم» صحیح است.

ص ۲۲۵: «از بس که جگر گوشه جگر داد مرا/ وان راحت جان چه دردسر داد مرا.» احتمالاً «ای بس که...» اصح است، در این صورت ارتباط دو مصراع نیز محکم‌تر است.

– «همای عشق چو بال جلال باز کند ز پشه‌ای چو بخواهد، هزار بار کند»

در این بیت نیز «هزار باز کند» درست است.

– «خطی است که عارض تو می‌پردازد یار سمت مور گذر می‌سازد»

در مصراع دوم «یا بر سمت» درست است.

ص ۲۲۸: ایشان سه قطعه شعر از جُنگ بیاضی مرعشی از جمال ازهری نقل کرده‌اند. شرح حال «جمال ازهری» در لباب‌الالباب (ص ۲۴۰) آمده است و بیشتر تذکره‌ها (مثل عرفات العاشقین، ص ۲۸۰) نیز همان دو قصیده‌ای را از او نقل کرده‌اند که در آنجا هم آمده است (یکی با ردیف «چشم» و دیگری «دل»).

دو قطعه از سه شعری که در اینجا آمده، رباعی است:

بر من ستم است اگر چنین خواهد بود

بر دست تو کشتنم یقین خواهد بود

(احتمالاً ستم‌ات، صحیح است) این رباعی در نزهةالمجالس (ص ۵۷۶) با عنوان «آخر»، آمده است.

شرح حال و شعرهای «جمال ازهری» (شاهپور نیشابوری) از لباب‌الالباب افتاده است، ولی خوشبختانه در نزهةالمجالس ۱۱۹ رباعی از او آمده است. در سفینه تبریز هم دوازده رباعی و در سفینه رباعی مرعشی سه رباعی از او آمده است. با توجه به مراتب فوق (سابقه رباعی سرایی جمال ازهری و نوع شعر و قصیده سرایی جمال ازهری) احتمالاً در این موضع هم منظور نویسنده همین جمال ازهری بوده است.

ص ۲۳۳: «کادم به خلل ز نفس بد می‌بینم

بر خود همه خصمی خرد می‌بینم»

احتمالاً «کارم» صحیح است.

ص ۲۳۴: «در عشق تو بنده چه سان اولی تر...» به این صورت ایراد وزنی دارد، احتمالاً «... بر چه سان» درست است.

ص ۲۳۵: «دی شب... دل خونینم بگرفت

اندیشه یار نازنینم بگرفت»

این رباعی در ص ۸۲۷ دیوان کمال اسماعیل، به صورت «دیشب هوس دل غمینم بگرفت» آمده است. احتمالاً در این جُنگ هم «دل حزینم» بوده است، چون با این صورت بیت ایراد وزنی دارد.

مقاله شانزدهم مربوط به «سفینه بولونیا» است که بنده در شماره ۴۶ همین مجله درباره آن مطلبی نوشته‌ام.

ص ۳۵۱: رفیع‌الدین لبنانی را شاعر قرن هفتم نوشته‌اند، که قرن ششم صحیح است.

ص ۳۹۱: نورالدین رصدی را شاعر ناشناخته معرفی کرده‌اند. میلاد عظیمی در حواشی سفینه شمس حاجی او را حتی الامکان به خوبی معرفی کرده است.

ص ۴۲۷: به نقل از «بیاض علاء مرندی»، این دو بیت به کمال اسماعیل نسبت داده شده است:

«فی حسن الختام و لله درّ قائله

سر دشمنان تو استغفر الله

که خود دشمنان تو را سر نباشد

سخن بر سر دشمنت قطع کردم



که مقطع ازین جای خوش تر نباشد»

بنده در مجله آینه میراث (شماره ۵۰) مقاله‌ای درباره اشعار نویافته کمال اسماعیل نوشته‌ام و این دو بیت را هم که در دیوان او نیست با تردید در جزو آن اشعار آوردم. ولی پس از مدتی این شعر را در «سفینه ۵۳۴ مجلس» (سفینه سعداللهی، گ ۲۶۰) به نام «بدرالدین» یافتیم. آنجا هم این شعر در اواخر سفینه و به عنوان نوعی حُسن ختام آمده است و با این وضع، انتسابش به کمال اسماعیل منتفی است.

در خاتمه باید بگویم که افزودن این نکات کوچک بر این کتاب و تصحیح سفینه شمس حاجی، نباید برای خواننده باعث این پندار شود که من پیش خود چنین توهمی دارم که خواسته‌ام کار نویسنده و بانی فاضل آن را زیر سؤال ببرم یا فکر کنم اگر من دست به این کار زده بودم، کارم بی‌غلط بود. ارزش این کتاب محفوظ است و افزودن این نکات چیزی از حرمت کار آنان نمی‌کاهد و هدف بیشتر معرفی کتاب و نیز رفع بعضی اشکالات کوچکی بوده که رخ داده است.

منابع:

– اصفهانی، کمال‌الدین اسماعیل، دیوان، به اهتمام حسین بحرالعلومی. تهران، دهخدا، ۱۳۴۸ ش.
– اوحدی بلیانی، تقی، تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ج ۱، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۹ ش.
– تبریزی، ابوالمجد محمدبن مسعود، «خلاصه‌الاشعار فی الرباعیات»، فراهم‌آورنده تصحیح سید محمد عمادی حائری، گنجینه بهارستان، ادبیات (۲)، به کوشش بهروز ایمانی، تهران:

کتابخانه مجلس، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۷-۱۶۹.

– جمال، خلیل شروانی، نزهة‌المجالس، تصحیح و تحقیق محمدامین ریاحی، تهران، علمی، ۱۳۷۵ ش.

«جنگ سعداللهی»، نسخه خطی شماره ۵۳۴ مجلس شورای اسلامی.

«جنگ شماره ۹۰۰ مجلس»، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، قرن هشتم.

«سفینه رباعی مرعشی»، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ۱۲۵۹۸ (مجموعه).

سفینه شمس حاجی، مقدمه، تصحیح و تحقیق از میلاد عظیمی، تهران، سخن، ۱۳۹۰ ش.

– سنایی غزنوی، مجدود بن آدم، دیوان، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: سنایی، [بی‌تا].

– ضیاء، محمدرضا، ۱۳۹۰، «سفینه بولونیا و انتساب اشتباه اشعار»، مجله گزارش میراث، دوره دوم، س ۵، ش ۴۶، مرداد - شهریور، ص ۱۶-۱۸.

– عبدالرزاق، جمال‌الدین، دیوان، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران، سنایی، ۱۳۶۲ ش.

– عوفی، محمد، لب‌الالباب، به تصحیح ادوارد براون، با مقدمه محمد قزوینی و تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، تهران، هرمس، ۱۳۸۹ ش.

– «مجموعه اشعار هفده شاعر»، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۰۱۷، کتابت در ۶۹۵ (؟).

– میرافضلی، سید علی، ۱۳۷۶، «بررسی نزهة‌المجالس (بخش اول)»، معارف، دوره ۱۴، فروردین - تیر، پیاپی ۴۰، ص ۹۰-۱۴۷.

